

Research Article

The Time and Place of the Soul in the Fetus with Emphasis on Explanatory Verses and Hadiths

Ahmad Rezvanimofra^{1*}, Ensiyeh Nourahmadi²

Abstract

According to the valid reasons that exist in Islamic sources, the obligatory ruling agreed by the jurists is sanctity, and anyone who caused the abortion is considered a criminal, and finally, considering the period that The sperm. has entered the mother's womb and has gone through several stages. However, with the emergence of secondary titles, the jurists have excluded certain cases from the rule of sanctity before the soul's death, so it is very important to recognize this time. The present article was written with a descriptive analytical method and using library data, both real and cyber, so that first the concept of the right to life was studied according to the verses of the Qur'an, and then it was tried using an analytical method to From the interpretive hadiths and by examining the word fetus in them as well as the method or subjectivity of its formation, the time and duration of the soul should be measured. The investigations carried out show that the lack of separation between the animal soul and the human soul in some narrations and the transfer of the meaning of the soul to the conventional understanding, requires that the conventional meaning of life and the revival of the fetus is taken from the existence of the soul. Doubts and the lack of certainty about the realization of the phenomenon of the soul, the rule of caution requires that in doubtful cases, we rule against the permissibility of abortion.

Keywords: Life, Human creation, Swelling of the soul, Interpretative hadiths

1. Doctoral student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran
2. Assistant Professor of Theology Department, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran

Correspondence Author: Ahmad Rezvanimofra

Email: rezvanimofrad@yahoo.com

DOI: 10.30495/QSF.2022.1964800.2915

Receive Date: 10.08.2022

Accept Date: 10.12.2022

واکوی زمان ولوج روح در جنین با تأکید بر آیات قرآن کریم

احمد رضوانی مفرد^{۱*}، انسیه نوراحمدی^۲

چکیده

حکم تکلیفی مورد اتفاق نظر فقها برای سقط جنین با نظر به دلایل متقنی که در منابع اسلامی وجود دارد در دو فرض قبل و بعد از ولوج روح، حرمت است، و هرکسی که سبب سقط شده، مجرم محسوب گردیده و در نهایت، با نظر به مدتی که نطفه وارد رحم مادر گشته و مراحل را طی کرده، دیه باید بدهد؛ اما فقها با بروز عناوین ثانویه موارد خاصی را قبل از ولوج روح از حکم حرمت استثنا نموده اند لذا تشخیص این زمان از اهمیت وافری برخوردار است. مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از داده های کتابخانه ای اعم از حقیقی و سایبری، بدین ترتیب به نگارش درآمده، که ابتدا مفهوم حق حیات با توجه به آیات قرآن مورد مذاقه قرار گرفته و آنگاه به روش تحلیلی سعی شده تا با استفاده از احادیث تفسیری و با بررسی واژه جنین در آن ها و همچنین طریقت یا موضوعیت داشتن نحوه شکل گیری آن، زمان ولوج روح سنجیده شود.

بررسی های صورت گرفته بیانگر آن است که عدم تفکیک میان روح حیوانی و روح انسانی در برخی روایات و احاله معنای روح به فهم عرفی، اقتضا می کند که از ولوج روح، معنای عرفی حیات و زنده شدن جنین برداشت شده، لذا به همین جهت در صورت شک و عدم حصول اطمینان به تحقق پدیده ولوج روح، قاعده احتیاط در دم اقتضاء می کند که در موارد مشکوک حکم به عدم جواز سقط بدهیم.

واژگان کلیدی: حیات، خلقت انسان، نفخ روح، ولوج روح

۱. استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

ایمیل: rezvanimofrad@yahoo.com

نویسنده مسئول: احمد رضوانی مفرد

مقدمه و بیان مسئله

یکی از موضوعات مهم که در سالهای جدید در ژنتیک پزشکی ظهور یافته و علاوه بر پیشرفت های چشمگیر، مباحثات متعدد فقهی و چالش های اخلاقی زیادی را به دنبال داشته، آزمایشات غربالگری یعنی مجموعه ای از تستهای خون و سونوگرافی که به منظور بررسی سلامت جنین و غربالگری گروه های پرخطر از لحاظ بیماری های عفونی، سندروم داون و برخی دیگر از نقایص ژنتیکی و ناهنجاری های فیزیکی در ماه های مختلف بارداری انجام میشود است، که تا قبل از تصویب قانون جوانی و جمعیت در سال ۱۴۰۰، در صورت مثبت بودن آزمایشات بر اساس ماده واحده ای که در سال ۱۳۸۴ توسط مجلس شورای اسلامی تحت عنوان قانون سقط درمانی تصویب گردیده بود منتهی به سقط جنین میگردد. وضعیت قانونی سقط جنین بنابر این قانون چنین لحاظ شده بود: «سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب حرج مادر است، و یا بیماری مادر که با تهدید جانی او توأم باشد قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز میباشد و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود.» با توجه به ابتناء نظام تقنینی جمهوری اسلامی بر موازین شرعی و نظر به حرمت سقط جنین در آراء و فتوای فقیهان امامیه در یافتیم که فقها با بروز عناوین ثانویه موارد خاصی را قبل از ولوج روح از حکم حرمت استثنا نموده اند چراکه در صورت تعارض ادله اولی و ثانوی احکام، ادله حکم ثانوی مقدم داشته می شود و در اصل این مطلب اجمالاً مناقشه ای نیست. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳۷)

در بررسی پیشینه تحقیق شایان ذکر است که اگرچه مقالات بسیاری در زمینه ولوج روح تدوین گردیده اما جمعیت تمامیرایات ناظر بر آیات سوره مومنون مورد مذاقه قرار نگرفته و هرکدام از نویسندگان از یک جنبه به بررسی مساله پرداخته اند به عنوان نمونه بجستانی در مقاله تاملاتی فقهی در سن ولوج روح در جنین با تأکید بر آیات قرآن، در سال ۱۳۹۸ به شیوه تحلیلی و توصیفی ضمن بررسی ادله همه اقوال، نظریه شیخ مفید را مبنی بر ولوج روح در شش ماهگی قوی دانسته و با استناد به نکات تفسیری آیات ۱۲-۱۴ سوره مؤمنون در مورد مراحل خلقت، رأی شیخ را اقرب به واقع می داند. ساریخانی در مقاله بررسی تطبیقی زمان ولوج روح در اسلام و سایر ادیان، در بهار ۱۳۹۹؛ به بررسی نظرات موجود در سایر ادیان از جمله آیین یهودیت پرداخته و سپس با بیان آیات قرآن کریم و روایات معصومین زمان ولوج روح در جنین را پس از اتمام چهارماهگی میدانند. و مسجدرایی در مقاله واکاوی مبانی فقهی حکم سقط درمانی بعد از ولوج روح، با بیان مستندات فقهی، حکم سقط درمانی بعد از ولوج روح را مورد نقد و بررسی قرار داده و در بارداری های پرخطر، حفظ جان یا سلامت جسمانی مادر را، واجب و مقدم بر حفظ جنین و اقدام به این نوع درمان در زمان بعد از ولوج روح را جایز و بلکه واجب دانسته است. بنابراین این سوال پیش می آید که با توجه به مشروط بودن جواز سقط جنین به قبل از ولوج روح آیا این زمان در قرآن و احادیث تفسیری بیان و معین گردیده و یا تشخیص آن با پزشک میباشد؟

لذا برای دریافت پاسخ لازم است به کتب تفسیری و حدیثی فقهای متقدم تمسک جسته و با واکاوی مفهوم حیات و حق بشمار آمدن آن در قرآن و با توجه به متون حدیثی و تفسیری زمان ولوج روح در

جنین را مورد مذاقه قرار دهیم و از انجایی که محل بحث ما مساله سقط جنین میباشد بررسی روایی مطلب را به روایات دال بر وجود دیه در صورت سقط جنین متمرکز نموده ایم.

مفهوم حیات

حیات از اساسی ترین حقوق انسان به مثابه چشمه ای که سایر حقوق انسان از آن جوشیده و برآمده میباشد چراکه هر حقی که برای انسان در نظر گرفته و هر کمالی که انسان باید به آن برسد وابسته به حیات است (آگاه، شماره ۳۵ و ۳۶، ص ۱۶۰) ولی از آنجاییکه حیات از مقولات عام و گسترده میباشد لذا تعریف آن، از جهتی سهل و آسان و از جهتی بسیار مشکل است. تعریف هایی که درباره حیات ارائه میشود غالباً جامع و آماده نیستند که به برخی اشاره مینماییم:

حیات، در مقابل ممات، و اصلی حقیقی و ذاتی برای خداوند عزوجل می باشد، و برای دیگران از جانب او افزوده می شود، و هر وجودیکه به طور تکوینی و یا در اثر تقرّب معنوی، و یا از لحاظ مراتب عوالم وجود خلوص و صفا و نورانیت او بیشتر و قویتر بشود: صفت حیات در وجود او محکمتر و ثابتتر خواهد شد و از این لحاظ حیات در عالم ماده ضعیفتر از عالم ماورای ماده، و در عالم جمادات از نباتات، و در نباتات از حیوان، و در حیوان از انسان، و در انسان از ملائکه، و در ملائکه از عالم عقول، و در عالم عقول از مقام لاهوت ضعیفتر است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص: ۴۲۵)

علمای علم تجربی زمان آغاز حیات را متفاوت بیان نموده اند؛ برخی حیات جنین را از زمان لقاح نطفه در رحم میدانند و از نظر برخی دیگر حیات دو قسم دارد: یک حیات سلولی موجود در نطفه و دوم حیات بافتی، که در هنگام تقسیم شدن سلولها در جدار رحم و تداوم تقسیم آن بوجود می آید که از هفته دوازدهم دوران بارداری آغاز میگردد. از منظر گروهی دیگر آغاز حیات نه از زمان در رحم قرار گرفتن نطفه، بلکه از زمانی که اسپرماتوزوئید با تخمک ترکیب می شود و به دیواره رحم می چسبد آغاز میگردد. محسنی قندهاری، ۱۴۲۴ (ق، ۲۸-۳۶) اما میتوان گفت: مشهور اینست که حیات سه حالت دارد: زندگی گیاهی، زندگی حیوانی و زندگی انسانی؛ به این صورت که حیات جنین تا هنگامیکه حس و حرکت ارادی نداشته حیات گیاهی، پس از نمودار شدن حس و حرکت در آن حیات حیوانی، و پس از دمیده شدن روح، حیات انسانی است و پس از آن انسان در مراحل زندگی خویش به انواع دیگری از زندگی دست مییابد که از نوع دیگری غیر از این سه نوع است. (محسنی قندهاری، ۱۴۲۴، ق، ۳۶) لذا مساله ولوج روح در تشخیص زمان آغاز حیات انسانی اهمیت ویژه ای دارد (مامی، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۴۹)، که در علوم تجربی از جمله در دانش جنین شناسی بیان نگردیده و تعلق روح به بدن به عنوان پدیده ای غیرمادی از حوزه پژوهش این دانش خارج میباشد، اما در علم پزشکی بدون تفکیک میان انواع حیات (حیات نباتی، حیات حیوانی و انسانی) بر این نکته تاکید گردیده که جنین از همان آغاز انعقاد نطفه و عمل لقاح، و قرار گرفتن در رحم موجود زنده و دارای حیات محسوب میشود. (مجموعه مقالات حقوق پزشکی، ج ۴، ص ۲۳۵) برخی پژوهشگران کوشش های قابل توجهی برای تطبیق مراحل رشد جنین در قرآن کریم با دستاوردهای جدید دانش جنین شناسی انجام داده و به نتایج ارزشمندی در راستای کشف معجزات علمی

قرآن کریم دست یافته‌اند. (اسکندرلوی زیدی، ۱۳۹۵، ش ۱۸، ۷۵ تا ۹۰؛ آل رسول و طاهری زاده، ۱۳۸۹، ش ۴، ۲۲ تا ۲۹؛ جهانیان و فرهودی، ۱۳۸۸، ش ۹، ۱۶۳ تا ۱۷۰؛ کامکار و رضوی، ۱۳۸۹، ش ۲، ۱۳۹ تا ۱۵۹)

حق حیات

از آنجا که حق حیات بنیادی ترین حق انسانی و ارزشمندترین هدیه الهی است. برای اینکه این حق محفوظ بماند و مورد تجاوز دیگران قرار نگیرد، قرآن برای کسانی که حیات دیگران را تهدید میکنند و یا به مخاطره میاندازند مجازات در نظر گرفته است: «و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده نکشید مگر آن که به حق مستحق قتل شود» (اسراء: ۳۳)

خداوند در قرآن چنین خطاب مینماید: «به آثار رحمت خداوندی بنگر که چگونه زمین را پس از مرگ و پژمردگی آنها احیاء میکند» (روم: ۵۰)؛ در این آیه شریفه حیات موجودات از جمله گیاهان و درختها و... رحمت خداوندی محسوب گردیده لذا میتوان چنین استنباط نمود که با توجه به اینکه حیات روییدنی ها رحمت خداوندی است به طریق اولی حیات جانداران و مافوق آن، یعنی حیات انسان، برتر و ارزشمندتر است و به همین جهت انسانها حق برخورداری از این رحمت الهی را داشته و هیچ کس نباید مزاحم این حق بشود. این معنا نیز از آیه ۲۹ سوره نسا قابل استفاده است که میفرماید: «و نکشید خودتان را، که خداوند برای شما مهربان و دارای رحمت است.»؛ بنابراین حیات با رحمت خداوندی برابر است.

به همین جهت است که وقتی که در توضیح و استدلال حقوق حیوانات در منابع فقهی اسلامینظر میاندازم، درمیابیم همه این حقوق به جهت ارزش ذاتی حیات و ممنوعیت وارد کردن آسیب بی دلیل به نفس دارای جان میباشد. به همین جهت علما پس از بیان حقوق حیوانات دلیل آن را دارای روح بودن «کل ذلک لحرمة الروح» میدانند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۱، ص ۲۱۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۹۷؛ اصفهانی، ۱۴۱۶، ق، ص: ۶۱۲؛ بحرانی، بی‌تا، ص: ۹۱؛ مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، بی تا، ج ۴۸، ص ۱۳۸).

در فقه شیعه عنوان نفس محترمه مطرح و وارد کردن هرگونه آسیب و اخلال بر حیات نفس محترمه حرام و عامل آن مجرم و مشمول کیفر محسوب شده است. با نظر به آیه قرآن مجید، نفس محترمه شامل همه انسانهاست مگر کسانی که به جهت ارتکاب جرم، حیات را تباه نموده، و لذا مستحق کیفر و قصاص میباشد: «... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ - فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...» هر کس که نفسی را بدون عنوان قصاص یا افساد در روی زمین بکشد مانند اینست که همه انسانها را کشته و اگر نفسی را احیا کند مانند اینست که همه انسانها را احیا کرده است.» لذا بنابر نص صریح قرآن فقها چنین استنباط نموده اند که حق حیات نفس محترمه امری است ثابت و نه تنها به مقتضای این حق نمیتوان به حیات هیچکس آسیبی و خللی وارد نمود بلکه هر کسی که توانایی حفظ نفس محترمه از آسیب و قتل را داشته باشد تکلیف واجب است که به هر وسیله ای، اقدام به حفظ نفس محترمه نماید و اگر کسی قدرت برای حفظ نفس محترمه داشته باشد و بدان هیچگونه توجهی نداشته باشد و بگذارد آن نفس بمیرد یا کشته شود و یا آسیبی به وی وارد آید، در حقیقت، قاتل یا

شریک در قتل و عامل ورود آسیب به یک انسان محسوب می‌گردد. دلیل این حکم مضامین قواعد و نصوص معتبری است که در منابع اسلامی آمده است. علاوه بر قرآن و روایات در بند اول اعلامیه جهانی حقوق بشر در اسلام حق حیات مطرح شده است؛ بر طبق این اعلامیه حیات عطای خداوند و حق حیات برای همه انسانها تضمین گردیده و لذا همه دولت‌ها و انسانها مکلف به حمایت و دفاع از حق حیات در مقابل هرگونه تعدی بوده و وارد شدن هرگونه اخلال بر بقای طبیعی آن، مانند بیماریها و بلاهای طبیعی و انسانی، و جدا کردن هیچ روحی از بدن (کشتن) بدون مقتضی شرعی جایز نیست. استفاده از هر وسیله ای برای نابود کردن حیات بشری، اعم از کلی و جزئی، حرام میباشد. حفظ و صیانت از حیات بشری تا آنجا که خدا بخواهد واجب بوده، خواه محافظت هر فردی بر حیات خود در مقابل تعدی دیگران یا تعدی بر خویشان (مانند انتحار) یا محافظت او درباره حیات دیگران باشد، بنابراین اسقاط جنین حرام است مگر به جهت ضرورتی که شرع، با نظر به آن ضرورت، آن را تجویز نماید. (جعفری، ۱۳۷۰ش، صص ۲۰۴-۲۰۵) به همین دلیل حمایت از مادر و جنین و بذل عنایت مخصوص بر آن دو به جهت تولد فرزندی سالم واجب است. (جعفری، ۱۳۷۰ش، صص ۲۱۳)

تبیین آغاز حیات آدمی با ولوج روح

از نظر اسلام، وجود انسان با دو بعد روح و جسم از نطفه شکل می‌گیرد. آنچه از آیات ۲۹ سوره حجد و ۷۲ سوره ص قابل استنباط است اینست که در آدمی، جز بدن، چیز بسیار شریفی که مخلوق خداست، نه جزئی از خدا وجود دارد و تا آن چیز شریف در انسان بوجود نیاید، جنین انسان نمی‌گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۱ ش، صص ۳۰۵) بنابراین خلقت انسان از خاک بوده، ولی در اصل، بعد از نطفه آفریده شده است. (سجده: ۸؛ مومنون: ۱۴) در کنار رشد جسمانی، با دمیده شدن روح در جنین تحولی دیگر آغاز میشود. (شهریاری، ۱۳۸۶، صص ۳۹۵-۳۸۵) همانگونه که اشاره شد فقها در تعیین معیار زمانی برای مراحل رشد جنین قبل از ولوج روح اختلاف دارند. از نظر برخی در شرع، تحدید زمانی برای مراحل رشد جنین قرار داده نشده و ملاک تحقق عناوین هر مرحله در خارج است. (حکیم طباطبایی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، صص ۳۸۷) برخی مانند شیخ مفید و ابن براج با محاسبه چهل روز برای هر یک از مراحل نطفه، علقه، مضغه و عظام و بیست روز برای لحم، به صد و هشتاد روز که زمان شش ماهگی است می‌رسند و این هنگام را زمان ولوج روح می‌دانند. (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، صص ۵۳۹؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، صص ۳۴۰؛ حلی الیهذلی، ۱۴۰۵ق، صص ۶۰۲) ابن ادریس برای هر مرحله بیست روز تأیید کرده است براین اساس صد و بیست روز نیز زمان ولوج روح است. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، صص ۴۱۶) آیت‌الله خویی به استناد روایات مراد موثق حسن بن جهم و دو صحیح زراره برای هر یک از مراحل رشد نطفه، علقه و مضغه چهل روز قرار داده که پایان چهار ماهگی است و این قول را همچون علامه مجلسی به مشهور فقها نسبت داده و می‌افزاید که بیشتر اخبار بر آن دلالت دارند. (وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ج ۳، صص ۴۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، جلد ۵۸، صص ۱۹) درحالی که مشهور فقیهان مراحل رشد جنین را تحدید زمانی نکرده‌اند، جمعی از فقیهان معاصر همین فتوا را برگزیده‌اند. (حکیم طباطبایی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، صص ۳۸۷؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳-

۱۴۱۷ق، ج ۲۹، ص ۳۱۱؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۴۰۶؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲-۱۴۱۴ق، ج ۲۶، ص ۳۵۳؛ عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳-۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸۳؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۸۳؛ آصف محسنی، ج ۱، ص ۲۵) شیخ انصاری پس از نقل اظهارنظرهای پزشکان و زنان در مورد ولوج روح قبل چهارماهگی بر این نکته تأکید مینماید که چون مستند قول چهار ماهگی روایات و احادیث نبوی میباشد لذا با اظهارنظر پزشکان خللی به این قول وارد نمیآید، هرچند از پزشکان نقل شده است که ولوج روح در پایان دو ماهگی ممکن است و زنان نیز به تجربه یافته اند که حرکت جنین در سه ماهگی آغاز میشود. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۲۱-۴۲۲؛ اصفهانی، ۱۴۱۹ق، جلد سوم، ص ۱۷۴؛ نجفی، ۱۳۶۲ ش، جلد چهل و سوم، صص ۱۱۲، ۱۹۵؛ تقوی وهمکاران، ۱۳۹۵ ش، شماره ۲۶ و ۲۷، ص ۴۷) از جمله مستندات که میتوان به عنوان مؤید این قول بیان نمود مجموعه روایاتی است که وجوب غسل میت را برای جنین مرده بعد از چهار ماهگی و یا تمامیت خلقت بیان نموده است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۱۰؛ جمع من المحققین فی اللجنه الفقیه، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۲۸۲، حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۰۱) از نظر بعضی فقها از جمله نویسنده کتاب فقه الرضا، شیخ صدوق، علامه حلی، شهید اول، محقق کرکی، شیخ بهائی و صاحب حدایق زمان تمامیت خلقت جنین چهارماهگی می‌باشد. (المنسوب للامام الرضا (ع)، ۱۴۰۶ق، ص ۱۷۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۲-۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ الشهید الاول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۱۵؛ نراقی، ۱۴۱۵-۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۵؛ المحقق الثانی الشیخ علی بن الحسین الکرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۶؛ شیخ بهائی، ۱۳۹۰ق، ص ۶۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵-۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۰۸؛ قطیفی آل طوق، ۱۲۴۵ق، ج ۳، ص ۴۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۴۵؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۶۴۵) فاضل هندی تجربه را دلیل بر حلول حیات در چهارماهگی قرار داده است. (فاضل هندی، ۱۴۱۶-۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۰۴) به نظر محقق همدانی برخی روایات دلالت بر این دارد که ولوج روح در چهارماهگی است، ولی تأکید می‌کند که این زمان برای ورود روح به طور غالب است و مورد مخالف آن نیز ممکن است واقع شود. (همدانی، ۱۴۱۶-۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۱۵۴) از فقهای معاصر نیز حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و منتظری چهارماهگی را مظنه زمان ولوج می‌دانند. (فاضل لنکرانی، بی‌تا، ص ۱۲۳؛ منتظری، ۱۴۲۷ق، ص ۱۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۹۴)

از منظر برخی دیگر از جمله صاحب مدارک، و صاحب جواهر چهارماهگی ملازمه ای با ولوج روح نداشته، بلکه مظنه زمان ولوج هست. به همین علت ممکن است ولوج روح اندکی قبل یا بعد از چهار ماهگی تحقق یابد. (موسوی العاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۱۲) علامه مجلسی نیز نیز میان ولوج روح و چهارماهگی هیچ تلازمی نمی‌داند. (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۹، ص ۱۱) آنچه مستند سخن ایشان است اینست که از منظر اطبا نفع روح گاهی در چهلم سومین (از ۸۰ روز تا ۱۲۰ روز) و گاهی بعد از آن به وقوع می‌پیوندد. (مجلسی، ۱۴۰۴-۱۴۱۱ق، ج ۲۱، ص ۲۳) شیخ حر عاملی بعضی از اختلافات میان روایات را در تکوین و زمان مراحل مختلف خلقت جنین، به اختلاف جنین‌های گوناگون با یکدیگر حمل نموده است. (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۴۲) شاید بتوان دلیل این مدعا را این دانست که برای پدیده تکوینی ولوج روح مثل سایر پدیده‌های تکوینی همچون زمان دقیق تولد انسان و حتی رشد او نمی‌توان زمان خاص و دقیقی را معین نمود چراکه زمان تحقق این‌گونه پدیده‌های تکوینی بسته

به اوضاع و شرایط جنین و مادر همچون تغذیه، نژاد، ژن، آبوهوا و امور دیگر، قابل تغییر است. لذا به عنوان جمع بندی میتوان چنین نتیجه گرفت که پس از گذشت چهار ماه از زمان انعقاد نطفه و ایجاد جنین، اصل بر ولوج روح و حیات جنین است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. و براساس وفور روایات در زمینه چهار ماهگی و تطبیق آن بر آیات قرآن میتوان گفت ضرورت جعل اماره قانونی برای جنین که در شکم مادر پنهان میباشد بر برخی از پدیده‌های تکوینی همچون رشد و... که موضوع حکم شرعی هستند ترجیح داده شده و در جهت ارائه معیار عینی در حل مخاصمات برای سهولت در دادرسی، بر شارع لازم است تا برای اماره قانونی در مساله سلب حیات جنین که تحولات آن برای بشر به روشنی قابل شناسایی نیست، سن چهار ماهگی را لحاظ نموده از این رو در روایات متعدد برای مراحل رشد مانند نطفه، علقه و مضغه زمان دقیق تعیین کرده باشد، از طرف دیگر چهار ماهگی به استناد شواهد و قرائن تجربی و علمیمظنه ولوج روح است؛ همانگونه که برخی پژوهشگران نیز با توجه به قرائن و شواهد دانش جنین‌شناسی، چهار ماهگی را هنگام ولوج روح دانسته‌اند (جهانیان و فرهودی، پاییز ۱۳۸۸، شماره ۹، صص ۱۶۳ تا ۱۷۰؛ کامکارو همکاران، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره ۲، صص ۱۳۹ تا ۱۵۹) بنابراین زمان چهار ماهگی بهترین زمان برای تعیین سنی به‌عنوان اماره قانونی برای ولوج روح در جنین می‌باشد

حکم اولیه سلب حیات جنین دارای معلولیت

برای یافتن حکم سلب حیات جنین های معلول لازم است در اولین مرحله مباحث عزل و دیه مربوط به آن را جستجو نماییم. شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۷۶۳)، و شیخ طوسی قائل به لزوم پرداخت دیه در صورت عزل از زن آزاد بدون اذن وی شده‌اند و شیخ طوسی براین مسأله ادعای اجماع فرقه و وجود روایات را داشته است (طوسی، ۱۴۰۰ هـ، ص ۷۷۸؛ و ۱۴۰۷ هـ، ج، ص: ۲۹۳؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۷۶۳) فقیهانی چند هم مسأله جواز یا حرمت عزل را عنوان نکرده‌اند ولی فتوا به لزوم دیه داده‌اند که عبارتند از ابوالصلاح حلبی در کافی (حلبی، ۱۴۰۳ هـ، ص: ۳۹۲) و ابن‌براج در مهذب (ابن‌براج طرابلسی، ۱۴۰۶ هـ، ص: ۵۱۱) و نیز ابن‌زهره (ابن‌زهره حلبی، ۱۴۱۷ هـ، ص ۴۱۵)، بلکه او بنابر رسم خود دعوی اجماع هم بر آن نموده است. از مجموع احادیث و نظرات فقها اینگونه استنباط میشود که اگر از نظر شارع مقدس از بین بردن اسپرم مرد بدون اذن وی جایز نمیباشد به طریق اولی از بین بردن جنین معلول که ترکیبی از اسپرم مرد با تخمک زن می‌باشند حتی در روزهای آغازینی که حیات آن شکل گرفته، جایز نمی‌باشد و این مسأله برای شارع مقدس اهمیت داشته و مرتکب عمل، مشمول پرداخت دیه می‌گردد.

در مرحله دوم از منابع فقهی فهمیده می‌شود که آغاز حرمت سلب حیات از هنگام لقاح اسپرم با تخمک است. ممکن است از فتاوی برخی فقیهان برداشت شود که حرمت سلب حیات مربوط به بعد از لانه‌گزینی در دیواره رحم است؛ زیرا در منابع فقهی در تعیین دیه برای اولین مرحله از حیات جنین از عبارت استقرار نطفه در رحم استفاده شده است. این عبارت با توجه به دانش امروز از مراحل رشد جنین، ظهور در لانه‌گزینی دارد. در این صورت، روش‌های جلوگیری اورژانسی و اضطراری بعد از آمیزش که نطفه لقاح‌یافته را در لوله‌های رحم و قبل از لانه‌گزینی از بین می‌برد، مصداق سلب حیات جنین نیست؛ اما قرائن

متعدد گویای اینست که مقصود این گروه از فقیهان نیز همچون سایر فقها، حرمت از زمان لقاح است و مقصود آن‌ها از استقرار در رحم، ورود نطفه به رحم و فرآیند لقاح است (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳-۱۴۱۷ق، ج ۲۵، ص ۲۵۱).

پس از قرار گرفتن نطفه در رحم زن و تبدیل شدن آن به جنین تا قبل از ولوج روح در زمانی که جنین شرایط لازم برای رشد را دارد روایات زیادی وجود دارد که در ادامه به تبیین حق حیات جنین و نحوه خلقت آدمیدر آیات و روایات می‌پردازیم:

خلقت انسان در قرآن کریم

در قرآن مجید درباره اصل خلقت انسان، مجموعاً شانزده تعبیر به‌کاررفته است که عبارتند از: «مَاءَ نُورٍ» (۴۵)، «مَاءٍ مَّهِينٍ» (سجده: ۸؛ مرسلات: ۲۰)، «مَاءٍ دَافِقٍ» (طارق: ۶)، «تُرَابٍ» (کهف: ۳۷)، «طِينٍ» (سجده: ۷)، «طِينٍ لَّازِبٍ» (صافات: ۱)، «سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲)، «صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ» (الرحمن: ۱۴)، «صَلْصَلٍ مِّنْ حَمِيمٍ مَّسْنُونٍ» (حجر: ۲۶، ۲۸، ۳۳)، «نُطْفَةٍ» (نحل: ۴؛ حج: ۵؛ فاطر: ۱۱)، «مِنَى يَمْنَى» (قیامت: ۳۷)، «نُطْفَةٍ أُمُشَاجٍ» (انسان: ۲)، «عَلَقٍ» (علق: ۲)، «عَجَلٍ» (انبیاء: ۳۷)، «ضَعْفٍ» (روم: ۵۴)، «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (انعام: ۹۸).

«آب، آب پست، آب جهنده، خاک، گل، گل چسبنده، چکیده از گل، گل خشک همچون سفال، گل خشک از لجن بدبو، نطفه، منی ریخته‌شده، نطفه مختلط و درهم، خون بسته‌شده یا کرم، شتاب، سستی، نفس واحد».

بر اساس آیات قرآن مبدأ آفرینش، خاک آغشته و مخلوط به آب که گل نام دارد میباشد؛ گل آن چیزی است که گیاه از آن حاصل می‌شود، همان گیاهی که غذای همه حیوانات است، و نطفه از آن غذا به‌وجود می‌آید. پس مبدأ اصلی برای به‌وجود آمدن انسان همان خاک تبدیل‌شده به صورت گل است؛ اما ابتدای آفرینش انسان به این دنیا و جریان به‌وجود آمدنش همان نطفه حاصل شده از مرد و زن است، نطفه از آن جهت به منی تعبیر می‌شود که مظهري برای شهوت و میل نفسانی است که به اعتبار جاری شدن آن به هنگام ازدواج عنوان نطفه را به خود اختصاص داده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۱۶۰).

قرآن مجید با کاربرد ۱۱ بار کلمه «نطفه» و یک بار کلمه «النطفه» که تمام موارد آن درباره آفرینش انسان می‌باشد این مطلب را متذکر می‌شود که انسان از نطفه آفریده شده و این مرحله نخستین مرحله آفرینش وی است.

«أُيْحَسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُدًى. أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنَى يَمْنَى» (قیامت: ۳۶-۳۸): «آیا انسان گمان دارد که بی‌په‌وده رها می‌شود، مگر آب کمی از منی نبود که ریخته می‌شد» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۶۱).

«أَنَا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أُمُشَاجٍ» (انسان: ۲)؛ منظور از نطفه به معنای جاری بودن در اینجا منی زن و مرد می‌باشد که به‌صورت مرکب نطفه را به‌وجود می‌آورند، بنابراین انسان از سلولی مرکب از اسپرم از جانب مرد و اوول از جانب زن به‌وجود می‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۱۱۶-۱۱۵). ابوالفتح رازی معتقد است که: «آدمی را از این آبی که آن را نطفه خوانند، و آن آبیست که از میان پشت و استخوان‌های

سینه بیرون آید خلق نموده است» (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۱۱-۱۰). طبرسی در ذیل آیه ۵ سوره حج فرموده: «نطفه به معنی آب کم است از مذکر و مؤنث و هر آب صاف را نطفه گویند» و در ذیل آیه ۲ سوره انسان فرموده: «اصل نطفه به معنی آب کم است، گاهی به آب زیاد نیز گفته شود» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۴۰۸). در تفسیر المیزان چنین بیان گردیده: «نطفه در اصل به معنای آب اندک، ولی در استعمال به معنای آب حیوان نری که از آن همجنس آن تولید می‌شود غلبه پیدا نموده است. و أمشاج به معنای مختلط و ممتزج بوده و نطفه را یا به اعتبار اجزای مختلفش، و یا به اعتبار اختلاط آب نر و ماده، به این وصف توصیف گردیده است. و ابتلاء نقل چیزی است از حالی به حالی و از طوری به طوری، لذا مراد از ابتلای انسان در خلقتش از نطفه، همانست که در چندین جا خداوند در کلامش از آن سخن به میان آورده‌است که نطفه را آفرید و سپس آن را به علقه تبدیل نمود، و علقه را مضعه کرد تا آخرین اطواری که بر آن جاری می‌شود؛ تا برسد به آنجاکه آن را خلقتی دیگر و آفرینشی جداگانه بنماید» (حکیم طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۱۲۱).

در برخی آیات قرآن علاوه بر مبدأ آفرینش انسان، چند مرحله از سیر شکل‌گیری انسان را نیز بیان شده، مانند خاک سپس نطفه (کهف: ۳۷؛ فاطر: ۱۱)، خاک سپس نطفه سپس علقه (غافر: ۶۷)، نطفه سپس علقه (قیامت: ۳۷ تا ۳۹)، خاک سپس نطفه سپس علقه سپس مضعه تمام در خلقت و مضعه ناتمام در خلقت. (حج: ۴)

خداوند در آیات ۶ تا ۸ سوره سجده روشن می‌سازد که آفرینش از گل مربوط به خلقت اولین انسان و آفرینش از نطفه و مراحل پس از آن مرتبط با خلقت تک‌تک انسان‌ها و نسل انسان نخستین می‌باشد. در مجموع این آیات پس از نطفه، به مرحله تمامیت در خلقت و دمیده شدن روح و آفرینش شنوایی و بینایی و قلب تصریح گردیده است. (سجده: ۶ تا ۸)

در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون علاوه بر مبدأ آفرینش اولین انسان از عصاره‌ای از گل، شش مرحله دیگر از آفرینش انسانها بیان نموده است؛ طبق این آیه مراحل آفرینش عبارتند از:

نطفه: منظور در اینجا منی زن و مرد می‌باشد که به صورت مرکب نطفه را به وجود می‌آورند، به عبارت دیگر انسان از سلولی مرکب از اسپرم از جانب مرد و اوول از جانب زن به وجود می‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۱۱۶-۱۱۵).

علقه: خونی که از نطفه ایجاد گردیده است.

مضعه: قطعه گوشتی که پس از علقه به وجود می‌آید.

عظام: حالتی از جنین که استخوان‌هایی به شکل غضروف در آن ایجاد شده و هنوز گوشت بر روی آن نروپیده است.

لحم: در این مرحله اطراف استخوان با گوشت پوشیده گشته که آخرین مرحله تکامل به نحوی که از نظر فیزیکی جنین کامل می‌شود ولی هنوز روح در آن دمیده نشده است.

جنین کامل: که ولوج روح در آن صورت گرفته و حکم انسان کامل را دارد (شهید اول، ۱۳۸۴: ۳۲۱-۳۲۲؛ نجفی سبزواری، ۱۴۱۹ق: ۳۴۸).

برخی محققان کوشش‌های قابل توجهی برای تطبیق مراحل رشد جنین در قرآن کریم با دستاوردهای جدید دانش جنین‌شناسی داشته و به نتایج ارزنده‌ای در راستای کشف معجزات علم‌یقرآن کریم دست یافته‌اند. (اسکندرلو و زیدی، ۱۳۹۵، ۱۸، ۷۵ تا ۹۰؛ آل‌رسول و طاهری‌زاده، زمستان ۱۳۸۹، ۴، ۲۲ تا ۲۹؛ جهانیان و فرهودی، پاییز ۱۳۸۸، ۹، ۱۶۳ تا ۱۷۰؛ کامکار و رضوی، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ۲، ۱۳۹ تا ۱۵۹) آنچه در دنباله به آن می‌پردازیم مسأله نفخ روح در جنین است که در پنج آیه از قرآن کریم به‌صراحت سخن از آن به میان آمده‌است.

نفخ روح در آیات و روایات

همانگونه که بیان شد در پنج آیه از آیات قرآن کریم به مسأله نفخ روح پرداخته شده که دو مورد در مورد حضرت آدم (ع)، (حجر: ۲۹) دو مورد درباره حضرت عیسی (ع) است. (انبیاء: ۹۱؛ تحریم: ۱۲) مورد پنجم اگر چه بنظر میرسد که آن هم درباره حضرت آدم (ع) باشد ولی ظاهراً درباره مطلق انسان است. (سجده: ۹ تا ۱۷) در نهایت در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، پس از بیان مراحل مختلف آفرینش جنین متذکر گردیده که پس از آن در او آفرینشی متفاوت پدید می‌آوردیم. با بهره‌گیری از آیات مربوط به خلقت انسان و نیز روایات وارد شده درباره آیه فوق، روشن میشود که مقصود خداوند از آفرینشی متفاوت در این آیه همان نفخ ولوج روح در جنین انسان است.

در سه آیه از این آیات، مرحله نفخ روح بعد از مرحله تمامیت خلقت (تسویه) قرار داده شده‌است. (سجده: ۸) پس قرآن کریم میان تسویه به‌معنای تمامیت خلقت جسمانی با نفخ روح فرق نهاده‌است. همچنین از دلالت ضمنی مفهوم نفخ (دمیدن) و به‌خصوص آیه ۱۴ سوره مؤمنون که از مرحله نفخ روح به خلق آخر یاد کرده‌است، ظاهر می‌شود که این مرحله از تکمیل انسان اگر نگوییم غیرمادی است، لاقلاً هم‌سنخ دیگر مراحل خلقت مادی و جسمانی انسان نیست و مرتبه‌ای برتر است که سبب حیات انسانی برای آن می‌گردد. (مصباح یزدی، ج ۱، قسمت سوم، ص ۳۵۶) پس از دیدگاه قرآن، روح و نحوه تعلق (نفخ) و یا ولوج) آن به بدن پدیده ای غیر مادی و یا لاقلاً متفاوت با سایر پدیده‌های جسمانی و مادی است. این سخن ضرورتاً به معنای نفی تاثیر و ارتباط این پدیده (ولوج روح) یا تقارن آن با برخی آثار مادی و جسمانی در جنین انسان نیست. به عبارت دیگر این احتمال وجود دارد که هر چند روح و ولوج آن در بدن از سنخ سائر پدیده‌های جسمانی نیست ولی ممکنست به جهت ارتباط وثیق روح با بدن، منشاء تحولاتی در جسم شود که از آن طریق بتوان زمان حدوث آن را تشخیص داد.

توجه به این نکته لازم است که از موارد استعمال واژه روح در قرآن بدست می‌آید که قرآن کریم، این کلمه را بر زندگی نباتی اطلاق نکرده‌است و در این‌گونه موارد از کلمه حیات بهره برده‌است. (حدید: ۱۷؛ ق: ۱۱) پس اگرچه جنین از اولین مراحل تکوینی که نطفه‌ای بیش نیست، دارای حیات نباتی و آثار آن؛ یعنی رشد و تغذیه است، ولی تنها بعد از تمامیت خلقت جسمانی، صاحب روح می‌گردد.

ولوج روح در روایات

روح در روایات استعمالات متفاوت بسیاری دارد. (امامی، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۴۹) در این میان روایات فراوانی مربوط به ولوج روح در جنین وجود داشته که بخشی از آن‌ها مربوط به تعیین مقادیر دیه جنین است. در این روایات برای مراحل مختلف رشد جنین، دیه تعیین شده است. آخرین این مراحل، ولوج روح است. این روایات را می‌توان به شش قسم تقسیم کرد:

شش مرحله (نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم، روح)

مراحل خلقت جنین در روایات معتبر ظریف از امیرالمؤمنین (ع) و صحیحہ سلیمان بن سالم از امام صادق (ع) و ضعیف یا صحیح ابن مسکان از امام صادق (ع) (برخی همچون محقق اردبیلی این روایت را صحیح میدانند: مجمع الفایده، ج ۱۴، ص ۳۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۴۲۰) و مرفوعه شیخ مفید از امیرالمؤمنین (ع) و روایت ضعیف از امام صادق (ع) درباره دیه میت و روایت مرسل دعائم الاسلام از امام باقر (ع) (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۴۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۸۵؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۹، ص ۳۱۲) شش مرحله ذکر شده و برای هر مرحله دیه‌ای خاص مقرر شده است. این مراحل و دیه آنها بدین قرار است: نطفه ۲۰ دینار، علقه ۴۰ دینار، مضغه ۶۰ دینار، عظام ۸۰ دینار، لحم ۱۰۰ دینار و ولوج روح اگر جنین پسر باشد ۱۰۰۰ دینار و اگر دختر باشد ۵۰۰ دینار است.

این روایات با آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون در تعیین شش مرحله برای رشد جنین هماهنگ هستند. دیات مقرر در ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی مطابق این روایات است. در روایت سلیمان بن صالح به جای مرحله ولوج روح، مرحله استهلال (گریه بعد از تولد) ذکر شده است که چنان‌که خواهد آمد کنایه از ولوج روح است. در روایت ابن مسکان به جای مرحله لحم، تمامیت جنین آمده است و در روایت شیخ مفید به جای مرحله لحم، کامل شدن صورت آمده است.

چهار مرحله (نطفه، علقه، مضغه، عظام)

در روایت صحیح محمدبن مسلم از امام باقر (ع) و روایت ضعیفی از آن حضرت، چهار مرحله برای دیه تعیین شده است: نطفه ۲۰ دینار، علقه ۴۰ دینار، مضغه ۶۰ دینار و عظام ۱۰۰ دینار (دیه کامل) (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۴۵؛ همان، ج ۷، ص ۳۴۴؛ اشعری قمی، ۱۴۰۸، ص ۱۵۷). فقیهان، عظام در این روایات را حمل بر مرحله ولوج روح کرده اند. (خویی، ج ۴۱ و ۴۲، ۴۹۲؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۷، ص ۲۹، ۳۱۰)

چهار مرحله (علقه، مضغه، عظام، روح)

در روایت صحیح اباشیل از امام صادق (ع) برای علقه ۴۰ دینار، مضغه ۶۰ دینار، عظم ۱۰۰ دینار و ولوج روح که در پنج ماهگی تعیین شده دیه کامل قرار داده شده است. در این روایت برای فاصله میان علقه و مضغه و فاصله میان مضغه و عظام نیز نسبتی از دیه افزوده شده است. (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳، ص ۴، ۱۴۴؛ طوسی، ۱۰، ۲۸۴؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ص ۲۹، ۳۱۵)

چهار مرحله (نطفه، علقه، مضغه، روح)

در روایت ضعیف یا صحیح (علامه مجلسی، ۱۴۰۶، ص ۱۰، ج ۱۰، ص ۴۱۹) سعیدبن مسیب از امام زین‌العابدین (ع) آمده است که برای نطفه که مدت آن بعد از استقرار در رحم چهل روز است، ۲۰ دینار و

برای علقه که مدت آن هشتاد روز است ۴۰ دینار و برای مضغه که مدت آن صد و بیست روز است ۱۰۰ دینار و برای پس از آن که روح در جنین دمیده شده است دیه کامل ثابت است. (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۷، ص ۳۴۷؛ طوسی، ج ۱۰، ص ۲۸۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۹، ص ۳۱۶)

پنج مرحله (نطفه، علاقه، مضغه، عظام و روح)

در روایت صحیح ابو جریر قمی از امام کاظم (ع) آمده است که برای نطفه که مدت آن چهل روز است، ۴۰ دینار و برای علقه که مدت آن چهل روز دیگر است ۶۰ دینار و برای مضغه که مدت آن چهل روز دیگر است ۸۰ دینار و برای عظام صد دینار و برای ولوج روح دیه کامل ثابت است. (طوسی، ج ۱۰، ص ۲۸۲)

دو مرحله (قبل از روح و بعد از آن)

در روایت صحیح ابو عبیده از امام باقر (ع) داریم: اگر جدید دارای استخوان، گوشت، چشم و گوش بود (کنایه از تمامیت جسمانی و ولوج روح) دیه کامل و اگر در حد علقه یا مضغه بود ۴۰ دینار ثابت میباشد. (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۷، ص ۳۴۴؛ طوسی، ج ۱۰، ص ۲۸۷؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۹، ص ۳۱۸)

جمع بندی آیات و روایات

روایات قسم اول در تعیین مقادیر دیه برای مراحل مختلف رشد جنین مقدم بر سایر اقسام است؛ زیرا نخست این روایات کثیر و مورد وثوق و معتبرتر میباشد، دوم اینکه: موافق مراحل شش گانه مذکور در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون است؛ سوم اینکه تعارضی با بیشتر روایات دیگر ندارد و تنها اختلاف آن‌ها در اجمال و تفصیل است؛ چنان که اختلاف آیات گوناگون قرآن کریم در بیان مراحل متعددی رشد جنین نیز به اجمال و تفصیل است. از این رو این قسم مبنای فتوای بیشتر فقیهان و در نهایت مبنای قانونگذار در ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ قرار گرفته است.

در این روایات تعبیری همچون ولوج روح، خلق آخر، انشاء روح و نفخ روح در ذیل عباراتی همچون: «فَإِذَا أُنشِيَ فِيهِ الرُّوحُ»؛ «قَبْلَ أَنْ تَلْجَهُ الرُّوحُ» و «فَإِذَا نَشَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرٌ وَ هُوَ الرُّوحُ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۴۲-۳۴۳) و «وَ إِذَا وَ لَجَتْهَا الرُّوحُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۲۶۶) «فَإِذَا أُنشِيَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرٌ» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۰۰) «قَدْ نَفَخَ فِيهِ رُوحَ الْعَقْلِ فَإِنَّ عَلَيْهِ دِيَةً كَامِلَةً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۴۷) «ثُمَّ أُنشَأَنَاهُ خَلْقًا آخَرَ وَ هَذَا هُوَ مَيِّتٌ بِمَنْزِلَتِهِ قَبْلَ أَنْ يُنْفَخَ فِيهِ الرُّوحُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۴۸) به کار رفته است.

از بررسی روایات دست می‌آید که اولاً ولوج روح قبل از تولد و در دوران وجود جنین در رحم واقع می‌شود و ثانیاً ولوج روح، بعد از کامل شدن خلقت جسم مادی جدید و شکل گرفتن تمام اعضا و جوارح واقع می‌شود. این حقیقت از قرآن از آیات قرآن نیز که نفخ روح را بعد از تسویه قرار داده است، به روشنی استفاده می‌شود؛ ثالثاً عدم تفکیک میان روح حیوانی و روح انسانی در روایات دیه جنین و احاله معنای

روح به فهم عرفی، اقتضا می‌کند که از ولوج روح، معنای عرفی حیات و زنده شدن جنین فهمیده شود و این معنا مفهومی از حیات است که مشترک میان حیات حیوانی و انسانی است. به عبارت دیگر، در بیشتر روایات مربوط به دیه جنین بدون تعیین زمانی خاص برای پدیده ولوج روح، تنها به بیان توقف حکم دیه کامل در این پدیده اکتفا شده است و این گویای اینست که پدیده ولوج روح از نظر عرفی و طبیعی برای مخاطبان قابل تشخیص و شناسایی است و نمی‌توان آن را پدیده غیبی و ماوراء طبیعی دانست که فاقد آثار طبیعی است و زمان تحقق آن غیرقابل تشخیص است. پس با توجه به این که از آیات قرآن کریم و روایات فراوان از جمله برخی از روایات دیه جنین بدست آمد که نفخ و ولوج روح ذاتاً پدیده‌ای غیرمادی است، ضرورتاً به این نتیجه می‌رسیم که این پدیده غیرمادی دارای آثار ظاهری و مادیست که قابل شناسایی برای عموم انسان‌ها است.

بهترین تبیین برای چنین واقعیتی که ذاتاً غیرطبیعی و اثر طبیعی است با توجه به عدم تفکیک میان روح انسانی و روح حیوانی در روایات اینست که این پدیده هم‌زمان با ولوج روح حیوانی در جنین پدید می‌آید و در نتیجه از طریق آثار حیات حیوانی همچون حرکت ارادی و دریافت پیام‌های حسی از طریق حواسی مانند شنوایی یا بینایی که از عوارض ذاتی حیات حیوانی (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ۵۸، ۱۰۷؛ سبزواری، ۱، ۷۴؛ تفتازانی، ۱۴۰۱ق، ۲، ۳۵؛ شیرازی، ۱۹۸۱م، ۲، ۴۴۱) هستند قابل تشخیص خواهد بود. پس از انعقاد نطفه و استقرار آن در رحم، حرمت سلب حیات جنین قبل و بعد از ولوج روح، مورد اتفاق فقیهان شیعه است. (جمعی از محققان، ۱۴۲۳، ج ۵، ص ۳۹۴ و ۳۹۵؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳-۱۴۱۷ق، ج ۲۹، ص ۳۰۹؛ حسینی روحانی، بی تا، ص ۲۰۴) در حرمت سلب حیات، فرقی میان فرزند مشروع و نامشروع نیست. (بنی هاشمی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۹۸؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳-۱۴۱۷ق، ج ۲۵، ص ۲۵۳) بنابر روایت‌ها و بیان مراحل دیه در فقه اسلامی، با کمال وضوح این مسأله اثبات می‌گردد که حق حیات از آغاز بوجود آمدن ماده خلقت آدمی (نطفه) به رسمیت شناخته شده و همین مطلب می‌تواند دلیل متقنی برای شخصیت قایل شدن اسلام برای جنین حتی در صورت محتمل المعیوب و یا محتمل المعلول بودن آن، از بدو انعقاد نطفه باشد و اثبات مینماید که حیات جنین در مراتب مختلف برای شارع مقدس درخور اهمیت و احترام است ولذا هر کسی که به تکلیف خود درباره این حق عمل نکند، گرچه صاحب نطفه (پدر و مادر) باشد، مجرم شناخته شده و کیفر مالی هم باید بپردازد.

چرا که حیات یک ارگانیزم انسانی، در هر مرحله‌ای که از مراحل تکوینی، دارای ارزش ذاتی بوده؛ هر چند که، تکامل نیافته باشد؛ زیرا آغازی است برای انسان شدن. (جوهری، ۱۳۸۵، شماره ۴۷، ص ۸۶) در حقیقت، نقض مبدأ آفرینش انسان، عنوانی است که بر جنین‌های ناقص الخلقه نیز صدق میکند؛ چراکه این جنین‌ها از همان قابلیت برخوردار هستند که جنین‌های سالم از آن برخوردارند. از این رو، این موجود دارای کرامت ذاتی است و هر اقدامیکه از رشد و رسیدن آن به مرحله انسان کامل جلوگیری کند، جایز نیست. بر اساس این نگرش، ملاک در حرمت اتلاف، قابلیت و شأنیت انسان شدن آن چیزی است که اگر شرایط برای تکاملش (رشد و نمو) فراهم شود، میتواند تبدیل به انسان شود. لذا موجود انسانی از همان لحظه‌ای که ایجاد شده، باید محترم دانسته شود و همه حقوق انسانی اش از جمله حق حیاتش رعایت شود. (احمدی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۱۲) همچنین از آنجاکه نطفه منشأ تکون انسان بحساب می‌آید و بی مبالاتی

در حفظ آن جایز نیست، رعایت احتیاط و دوری کردن از موارد مشکوک الحرمه در این مورد لازم بوده و در موارد مشکوک باید به اصاله الاحتیاط پایبند بوده و و از عملی که منجر به سلب حیات جنین میشود جلوگیری نمود. (حسینی روحانی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۰)

نتیجه گیری

بعد از بررسی آیات و روایات موجود در بحث ولوج روح میتوان به این نتایج دست یافت:

۱. آنچه از قرآن و روایات تفسیری بدست می آید اینست که روح و حیات انسانی، پدیده‌ای فوق طبیعی است به نحوی که و نفخ و ولوج آن در جسم، واقعیتی متفاوت با سایر مراحل رشد جسمی انسان محسوب میشود؛ ولوج روح انسانی در دوران جنینی و قبل از تولد در زمانی بعد از تمامیت خلقت ظاهری بدن و شکل گرفتن اعضا و جوارح اوست.
۲. تعیین زمان چهارماهگی برای ولوج روح در برخی از روایات در منابع شیعه، امری تعبدی نیست؛ بلکه اخبار از زمان عادی و طبیعی آن است. از این رو آنچه سبب علم به پدیده ولوج روح می شود، آثار و قرائنی طبیعی است که به تنهایی یا به ضمیمه قرائن دیگر موجب چنین علم یا اطمینان می شوند و پایان چهار ماهگی هم اجمالاً می تواند یکی از آن قرائن باشد.
۳. یکی از مهم ترین اثر طبیعی ولوج روح در جنین، حرکت ارادی جنین در رحم می باشد که پس از پایان چهار ماهگی برای غالب مادران قابل درک است. این اثر اگر قرینه‌ای برخلاف آن وجود نداشته نباشد، می تواند به تنهایی قرینه اطمینان آور بر ولوج روح بوده و بدیهی است که در صورت شک و عدم حصول علم و اطمینان به تحقق پدیده ولوج روح، قاعده احتیاط در دم اقتضاء می کند که در موارد مشکوک حکم به عدم جواز سقط بدهیم.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن ادریس حلی، ابوجعفر، ۱۴۱۰، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی.
- ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، ۱۴۰۶، الممهدب، قم: انتشارات اسلامی.
- ابن زهره حلی، حمزه، ۱۴۱۷، غنیه النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- احمدی، امیرعلی، ۱۳۸۶، بررسی جنبه های اجتماعی تحقیقات شبیه سازی و سولولهای بنیادی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۳، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: انتشارات اسلامی.
- اسکندرلو، محمدجواد و سید بهادر علیزیدی، ۱۳۹۵، « بررسی اعجاز علمی قرآن در مراحل خلقت و تکوین جنین انسان»، دو فصلنامه قرآن و علم شماره ۱۸.

- اشعری قمی، احمد، ۱۴۰۸، کتاب النوادر، قم: مدرسه امام مهدی.
- اصفہانی، محمدحسین، ۱۴۱۹، حاشیہ کتاب المکاسب، قم: عباس محمد السباع قطیفی.
- امامی، مسعود، ۱۳۸۵، زمان دمیدن روح در جنین، فصلنامه فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۹.
- امامی، مسعود، ۱۳۸۵، «ولوج روح در جنین»، فصلنامه فقه کاوشی نو در فقه اسلامی شماره ۴۹، قم: تبلیغات اسلامی.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۰۹، کفایہ الاصول، قم: آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- آگاه، حمید، ۱۳۸۲، «حق حیات و چالش‌های موجود»، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۵ و ۳۶.
- آل رسول، سوسن و مریم طاهری‌زاده، ۱۳۸۹، «بررسی تطبیقی آیات مربوط به علقه با علم جنین شناسی»، مطالعات قرآنی شماره ۴.
- آل عصفور بحرانی، حسین، بی تا، الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع (للفیض)، قم: مجمع البحوث العلمیه.
- بحرانی، شیخ یوسف بن احمد، (۱۴۰۵-۱۴۰۹ق)، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، قم: انتشارات اسلامی.
- بنی هاشمی، سیدمحمد حسن، ۱۴۲۴، توضیح المسائل مراجع، مطابق با فتاوی دوازده نفر از مراجع معظم تقلید، قم: انتشارات اسلامی.
- تبریزی، جواد، ۱۴۲۷، صراط النجاه، قم: دارالصدیقه الشهبده.
- تفتازانی، ۱۴۰۱، شرح المقاصد، پاکستان: دارالمعارف النعمانیه.
- تقوی، نازیلا، اسدی نژاد، محمد، عمانی سامانی، رضا، ۱۳۹۵، بررسی ماهیت جنین‌های منجمد از نظر فقهی، اخلاقی و حقوقی، فصلنامه فقه پزشکی، سال ۸، شماره ۲۶ و ۲۷.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۰، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- جمع من المحققین فی اللجنه الفقہیہ، ۱۴۲۹، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، تالیف نظمها الشیخ قدره الله الانصاری، قم: مرکز فقه ائمه اطهار (ع).
- جمعی از محققان، زیر نظر آیه الله هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، موسوعه الفقه الاسلامی طبقا لمذهب اهل البيت (ع)، قم: دائره المعارف فقه اسلامی.
- جوهری، حسن، ۱۳۸۵، تقسیم جنینی و شبیه سازی، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۸۶.
- جهانیان، منیره، فهودی، محمود، پاییز ۱۳۸۸، ش ناختی از ثم انشانہ خلقا آخر و ارتباط آن با مراحل رشد جنین از نظر پزشکی، اخلاق پزشکی، شماره ۹، ۱۶۳ تا ۱۷۰.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴، تفصیل وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، قم: مؤسسہ آل البيت (ع) الاحیاء التراث.
- حسینی روحانی، سیدصادق، (بی تا-۱۴۱۴ق)، المسائل المستحدثه، قم: دارالکتاب.
- حسینی روحانی، سیدمحمدصادق، (۱۴۱۲-۱۴۱۴ق)، فقه الصادق، قم: موسسه دارالکتاب.

- حکیم طباطبایی، سیدمحمدسعید، ۱۴۱۵، **منهاج الصالحین**، بیروت: دار الفقه.
- حلی، ابو الصلاح، ۱۴۰۳، **الکافی فی الفقه**، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع).
- الحلی الهذلی، یحیی بن سعید، ۱۴۰۵، **الجامع للشرایع**، قم: منشورات سیدالشهداء (ع).
- سبزواری، ملاهادی، ۱۳۰۰، **شرح اسماء الحسنی**، قم: منشورات مکتبه بصیرتی.
- شهریاری، حمید، ۱۳۸۶. **اهدای گامت از منظر اخلاق اسلامی**. فصلنامه پایش. دوره چهارم، شماره ششم، صص ۳۸۵-۳۹۵.
- شهید الاول، محمد بن جمال الدین مکی العاملی، ۱۴۱۹، **ذکری الشیعه فی احکام الشریعه**، بیروت: موسسه آل البیت (ع).
- شهیدثانی، زین الدین بن علی جبعی عاملی، (۱۴۱۳-۱۴۱۷ق)، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، قم: معارف الاسلامیه.
- شیخ انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵-۱۴۱۸ق)، **کتاب الطهاره (تراث الشیخ الاعظم جلد ۱)**، المؤتمر العالمی مناسبه الذکری المئویه الثانیه لمیلاد الشیخ الانصاری.
- شیخ بهائی، بهاء الدین، ۱۳۹۰، **الحبل المتین فی احکام احکام الدین (رسائل الشیخ بهاء الدین)**، قم: مکتبه بصیرتی.
- شیخ مفید، محمد، ۱۴۱۰، **المقنعه**، قم: انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شیرازی، صدرالدین محمد، ۱۹۸۱، **الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، قم: آل البیت (ع).
- طباطبایی قمی، سیدتقی، ۱۴۲۳، **الدلائل فی شرح منتخب المسائل**، قم: کتابفروشی محلاتی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۸، **تهذیب الاحکام**، تهران: مکتبه الصدوق.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۹۰، **الإستبصار فیما اختلف من الأخبار**، تهران: مکتبه الصدوق.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۰، **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**، بیروت: دار الكتاب العربی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، **الخلافا**، قم: انتشارات اسلامی.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی جبعی عاملی، ۱۴۱۰، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم: طبع الحدیثه.
- عباسی، محمود، ۱۳۷۸، **مجموعه مقالات حقوق پزشکی**، تهران: انتشارات حقوقی.
- علامه حلی، حسن، (۱۴۱۲-۱۴۲۴ق)، **منتهی المطلب فی تحقیق المطلب**، مشهد: **البحوث الاسلامیه**.
- علامه مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴-۱۴۱۱ق)، **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول**، تحقیق: سیدهاشم رسولی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- علامه مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳-۱۴۱۰ق)، **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- علامه مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶، **روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه**، قم: کوشانبور.
- فاضل لنکرانی، محمدبیتا، **احکام پزشکیان و بیماران**، موجود در نرم افزار جامع فقه.

فاضل هندی، بهاء الدین، (۱۴۱۶-۱۴۲۴)، **کشف اللثام عن قواعد الاحکام**، قم: انتشارات اسلامی.

فقه الرضا، المنسوب للامام الرضا (ع)، ۱۴۰۶، مشهد: المؤتمر العالمي للامام الرضا (ع).

قطیفی آل طوق، احمد بن صالح، ۱۲۴۵، **رسائل آل طوق القطیفی**، بیروت: دارالمصطفی.

کامکار، زهره و شهناز رضوی؛ محمد مهدی امین ناجی، ۱۳۸۹، **مقایسه مراحل تکامل جنین انسان از دیدگاه قرآن و حدیث و علم جنین شناسی**، مجله پژوهش‌های علم‌ودین، پاییز و زمستان، شماره ۲، صص ۱۳۹ تا ۱۵۹.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، **الکافی**، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دارالکتب الاسلامیه.

محسنی قندهاری، محمد آصف، ۱۴۲۴، **الفقه و مسائل طبیة**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

محقق کرکی، الشیخ علی بن الحسین، ۱۴۱۴، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم: آل‌البيت (ع).

مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۱، **معارف قرآن**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مقیم‌حاجی، ابوالقاسم، بیتا، «**حقوق حیوانات در فقه اسلامی**»، فقه اهل‌بیت (ع) (فارسی)، قم: دائرة المعارف فقه اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۹، **احکام پزشکی**، تهیه: ابوالقاسم علیان نژادی، قم: مدرسه امام علی.

منتظری، حسین علی، ۱۴۲۷، **احکام پزشکی**، قم: سایه.

موسوی العاملی، السید محمد، ۱۴۱۰، **مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام**، بیروت: آل‌البيت (ع).

موسوی خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۲، **موسوعه الامام الخویی**، قم: موسسه احیاء آثار الامام خویی.

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۳-۱۴۱۷)، **مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام**، موسسه المنار.

نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، دار احیاء التراث العربی.

نراقی، احمد، (۱۴۱۵-۱۴۱۹)، **مستند الشیعه الی احکام الشریعه**، بیروت: آل‌البيت (ع) لاحیاء التراث.

وحید خراسانی، حسین، ۱۴۲۸، **منهاج الصالحین**، قم: مدرسه امام باقر (ع).

همدانی، آقارضا، (۱۴۱۶-۱۴۲۴)، **مصباح الفقیه**، قم: جعفریه لاحیاء التراث.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: رضوانی مفرد احمد، نوراحمدی انسیه، واکاوی زمان ولوج روح در جنین با تأکید بر آیات قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۱۴۶-۱۲۹.